

گزارش

دفتر اشعار مولانا صوفی محمد هراتی - شاعر ناشناخته قرن نهم هجری را ازین روی به چاپ رسانیدم که در آن مقادیری شعر و نثر در قلمرو اطعمه و ابزار آشپزخانه و «رخوت» مربوط به آن و به نظیره گویی با سرانیده‌های بسحاق اطعمه شیرازی (قرن هشتم) مندرج است. اگرچه در سنجش با کلیات بسحاق جلوه‌ای نتواند یافت.^۱ اما چون در برگیرنده بعضی واژه‌ها و ترکیبات و فواید اصطلاحی مربوط به غذاهاست و گاه واجد تازگیهایی است طبعاً چاپ شدنش به یک بار برای تاریخ فرهنگی ما ضرورت دارد. این مجموعه گمنام با نام «دفتر اشعار صوفی» چاپ می شود زیرا در پیشانی ورق نخست متن آمده است:

گر ز عشق دوست می خواهی نشان دفتر اشعار صوفی را بخوان
جای دیگر بر سر منظومه «ده نامه» این بیت نوشته شده است:
گر ز عشق دوست می خواهی نشان دفتر ده نامه صوفی بخوان
البته تصریحاً نمی توان گفت که این دو بیت از سراینده است یا از جامع و کاتب نسخه. صوفی محمد شاعری است که در عهد سلطان بایقرا (۸۴۲-۹۱۱)^۲ در هرات می زیست و

۱. صوفی خود سروده:

صوفی غزلت نیست چو بسحاق، ولیکن با رستم دستان بزند هرکه برافتاد
۲. حسین بایقرا فرزند منصور بن بایقرا بود و بایقرا پسر عمر شیخ و عمر شیخ پسر امیر تیمور. حسین بایقرا در ۸۴۲ متولد شد و در ۸۷۳ به پادشاهی رسید و به سال ۹۱۱ درگذشت. او محل حکومت خود را هرات

از مدائح او دربارهٔ سلطان حسین دو قصیده در همین دفتر مندرج است. یکی قصیده‌ای است در مناقب امیر مؤمنان با این مطلع:

گفتم به دل که از سخن خوش چه خوشترست گفتا حدیث دوست که خوشتر ز شکرست
(ص ۳۱)

و در اواخر آن به مدح سلطان حسین و مآثر او پرداخته و به این بیت مترنم شده:
سلطان حسین‌خان که زمان عدالتش بر طاعت مقرب پاکان برابرست
دیگر قصیده‌ای بلندست با ردیف «نرگس» به مطلع:

کرد با چشم تو خود را چو برابر نرگس گل بخندید ازین واقعه خوش بر نرگس
(ص ۳۶)

خسرو روی زمین فخر جهان شاه حسین آن که از خاک رهش یافته افسر نرگس
(ص ۳۸)

طبعاً این دو مدیحه ما را تا حدی از زمان زندگی و اعتبار صوفی محمد آگاه می‌سازد و مشخص است که پس از سال ۸۷۳ سروده شده و قهراً پیش از سال ۸۷۸ که مصرحاً سال کتابت نسخه موجود است.^۱

صوفی محمد در زمان کتابت نسخه در حیات نبود زیرا کاتب در پنج جای نسخه دعای «غفرالله ذنوبه» دربارهٔ او نوشته است.^۲

از نکته‌های تاریخی مندرج در اشعار چند نکته که با زندگی صوفی محمد مرتبط تواند

→

قرارداد و امیر علی شیر نوائی را به وزارت برگزید. سلطان و وزیر هر دو دوستدار اهل ادب و خود شاعر بودند. سلطان حسین سلطانی بود که توانست بر خراسان حکمرانی کامل بیابد. (دائرة المعارف فارسی)

۱. در دو جای این نسخه تاریخ کتابت هست.

یک در ورق ۴۲ الف در پایان «ده نامه»:

«... عاشر ذوالحجة سنة ثمان و سبعین و ثمانمائه»

دیگر در ورق ۱۱۷ ب:

«... فی منتصف ذوالقعدة سنة ثمان و سبعین و ثمانمائه...»

۲. ص ۳۶، ۴۱، ۴۴، ۱۴۹، ۱۷۴ چاپی.

بود درین مقدمه آورده می شود:

یکی اینکه صوفی محمد به احتمال قریب به یقین در هرات زاده شده و شاهد مدعا این بیت است:

خواهی تو صوفیا که بیابی زخود حضور بردار از وطن دل و ترک هرات ده
(ص ۱۱)

و در گلایه از آن جا در بیت دیگری سروده است:

صوفی بیا که خیمه ازین خاک برکنیم مارا چو هست خاطر محزون درین هرات
(ص ۲)

او در بیتی هم از عراق یاد کرده و حکایت از سفری می کند که بدین خطه آمده بوده است:
جان به لب آمد مرا درغم بغرای ترب ناله من از عراق تا به خراسان رسید
(ص ۱۲۵)

دومین نکته تاریخی یاد می است که از شاه نعمه الله ولی (۷۳۱-۸۳۴) کرده است. ذکر نام او شاید دال بر آن باشد که صوفی محمد از پیروان آن سلسله بوده است.

همچو صوفی به صد زبان گویم زان که مداح نعمه اللهام
(ص ۱۵۸)

دیگر آوردن (دو بار) نام بسحاق اطعمه شاعر است که وفات او به چند روایت میان سالهای ۸۲۷ تا ۸۴۰ ضبط شده است. بنابراین جوانی صوفی محمد با او چندی همروزگار بوده است.

مانند:

گرچه پُر خوردن بود عیب تمام صوفیان را هست این عین هنر
(ص ۹۵)

یک جا در خطبه نوشته منشور خود را «درویش» خطاب کرده است.

ایام جوانی صوفی محمد با دوران کهولت نعمه الله تقارن داشته است و شاید تخلص صوفی را به مناسبت همان پیوستگی انتخاب کرده و در محیط زندگی خود به صوفی محمد

اشتهار یافته است و معاشران عنوان «مولانا» را هم بر نامش افزوده‌اند. البته او در مواردی که کلمه صوفی در مصراع مخّل وزن بوده «صوفیان» را بر جای آن آورده و شاید مؤید بیشتری باشد بر مقام صوفیانه او.

در تذکره‌ها و منابع شناخته شده نامی ازین صوفی محمّد دیده نمی‌شود و گمنام است. بر مبنای تجسس و استخراج عبدالرسول خیام پور بیست و چهار شاعر تخلص صوفی داشته‌اند و از آن میان دو صوفی‌اند که در قرن نهم می‌زیسته‌اند و دیگران همه در قرون بعد بوده‌اند.^۱

آن دو صوفی قرن نهمی یکی درویش صوفی پسر محمد خواجه (خاجو) نبیره درویش حسین است که به پیر صوفی موسوم بود و در مقبره پیر صد (سیصد) ساله (در) مدفون بوده است. ذکرش در مجالس النفائس امیرعلی شیر مندرج است. او ادعای طبابت هم داشته.^۲ دیگری صوفی استرآبادی است که باز ذکرش در مجالس النفائس آمده است.^۳

هیچ یک ازین دو صوفی مناسبتی به صوفی محمّد سراینده دیوان اطعمه و نظیره گوی اشعار بسحاق اطعمه نمی‌توانند داشته باشند، اگرچه در یک دوره می‌زیسته‌اند. صوفی محمّد هراتی بطوری که در خطبه دیوان اطعمه خود می‌آورد نخست برین قصد بود که به اقتضای عبیدزاکانی (درگذشته ۷۷۲) اشعاری طبعاً به فکاهه و طنز بسراید به منظور آن که «نقل مجلس» بشود (ص ۷۱) ولی چون از آن طریق انصراف می‌جوید پیروی از بسحاق اطعمه را اختیار می‌کند و می‌نویسد:

«ای درویش این رنج کشیدن و صنعت و نازکی در اشعار پیدا کردن کمال حماقت است. جامه به اندازه تن خلق می‌باید دوخت ... خواستم که مانند سخنهای مولانا عبید داستانی ترتیب سازم، از روح پر فتوح اولیا الهام به دل بیچاره رسید که الحیاء من الایمان. باز تأمل بسیار کردم. بر خاطر این حقیر خطور کرد که مانند سخنهای مولانا بسحاق «اطعمه» ای

۱. در الذریعه هم ذیل عنوان «دیوان» نام صوفی تخلصها آمده است (چاپ اول ۹: ۶۲۱).

۲. مجالس النفائس (دو ترجمه)، به کوشش علی اصغر حکمت (تهران ۱۳۶۳) ص ۱۰۱ و ۲۷۴، الذریعه ۹: ۶۲۱.

۳. همان، ص ۸۶ و ۲۶۰.

بساز که مزاحی است مباح...»

در بیتی نیز به اطعمه سرائی خود اشارت دارد.

صوفی اگر چه اطعمه گوید مکن تو عیب گسویم بیان نعمت پروردگار کرد

(ص ۱۳۱)

□ □

دفتری که از اشعار او در دست است محتوی چند گونه شعرست.

الف) اشعار معمولی

(۱) غزلیات (شصت و یک غزل و یک قطعه)

(۲) قصیده (دو تا در مدح سلطان حسین بایقرا)

(۳) ترجیع بند (یکی در هفت بند)

(۴) ترجیع زنانی (یکی در نه بند)

(۵) ده نامه (مثنوی به گرده «ده نامه» های پیش از خود)^۱

ب) دیوان اطعمه

(۱) غزلیات (یکصد و بیست و چهار غزل)

(۲) ترجیع بند (دوتا، یکی در سه بند و یکی در نه بند)

(۳) مقطعات (هفت قطعه)

(۴) رباعیات (هفت رباعی)

(۵) فردیات (هفت بیت)

۱. «ده نامه» سرایی یکی از انواع شعر عاشقانه بود و مشهورترین آنها عبارت است ازین شاعران به ترتیب دوره زندگی آنها: عراقی (د ۷۰۹)، اوحدی مراغی (د ۷۳۸)، عماد فقیه (د ۷۷۳)، ابن نصح شیرازی (قرن هشتم)، ابن عماد خراسانی (د ۸۰۰)، کاتبی ترشیزی (د ۸۳۸)، عارفی هروی (در ۸۴۲ زنده بود)، محمود برسه (۸۷۲).

۶) مثنوی اطعمه (بیست و دو بیت)

۷) شکایة الرخوت (قصیده در چهل و پنج بیت به انضمام بخشی به نثر)

۸) تخیلات اسرار (منثور که ظاهراً آن را در برابر اسرار چنگال^۱ بسحاق به نظیره گویی پرداخته).^۲

همان طور که روش بسحاق در سرودن غزلیات نقیضه‌پردازی^۳ اطعمه‌ای، نظرش به غزل‌های شاعران پیش از خود بود صوفی محمد همان راه را پیروی می‌کند با این اختلاف که بسحاق عادة نام شاعران را آورده ولی صوفی محمد نام آنان را نیاورده است. صوفی محمد روش خود را به «جواب گویی» تعبیر کرده. پس هر بیتی را که از شاعری آورده آن را سؤالی دانسته و بدان جواب گفته است.

آقای دکتر منصور رستگار در صفحهٔ چهل و نه مقدمهٔ خود بر کلیات بسحاق شیرازی بر شمرده‌اند که غزلیات بسحاق جمعاً یکصد و بیست و نه غزل است^۴ و بیست و هفت شاعر را اقتفا کرده و سی غزلش ابتکاری خود اوست.

حافظ (۲۶)^۵، سلمان ساوجی (۲۵)، سعدی (۱۷)، سلمان (۱۶)، عماد فقیه (۸)، حسن دهلوی (۵)، کمال خجندی (۴)، نعمة الله ولی (۳)، دیگر شاعران یک یا دو مورد: آذری (شیخ)^۶، ابونصر فراهی، اشرف نم‌دپوش، امین الدین [بلیانی]، انوری، جلال عضد، جمال الدین دُر دزد، سعدالدین نصیر، صدرالدین جوهری، صدرالدین قیروانی، ظهیر فاریابی، عبید زاکانی، عراقی، عطار، کمال الدین کاشی، مولانا.

۱. چنگال که در گویش یزدی «چینمال» تلفظ می‌شود عبارت بود از نفت دادن نان خورد کرده که در روغن و شکر یادباد روزگاران کودکی ماکه هفته‌ای یکی دوبار خوراک معمول خانواده‌ها بود.
۲. همان طور که محمود قاری یزدی در دیوان البسه «اسرار ابریشم» را به تقلید «اسرار چنگال» سروده.
۳. بسحاق اصطلاح نقیضه را نیاورده ولی در چاپ آقای دکتر منصور رستگار بر بالای غزلها این اصطلاح افزوده شده. در متن اطعمه معمولاً لفظ «در جواب او گوید» آمده است.
۴. از آن صوفی محمد یکصد و بیست و چهارتاست.
۵. اعداد میان () تعداد بارهایی است که غزل آن شاعر مورد اقتفا قرار گرفته.
۶. آذری طوسی نمی‌تواند باشد زیرا در ۸۶۶ درگذشته. آقای دکتر منصور رستگار هم در حاشیه از دولتشاه این سند را نقل کرده و نوشته‌اند در دیوان البسه آن شعر شیخ آذری از سلطان ابوسعید دانسته شده است.

در پایان متن، فهرستی از ابیات مورد اقتفا به ترتیب الفبائی قافیه آورده شد که خوشبختانه دوستان فاضل محمدافشین وفایی و شهریار شاهین دژی نام عده‌ای از سرایندگان را مشخص کرده‌اند.

□ □ □

من به خوب یا پست بودن شعر صوفی محمد اصلاً نظری نداشته‌ام و اظهار رایی نمی‌کنم. منظور از طبع این متن آن است که یکی دیگر از پیروان مکتب بسحاق اطعمه را شناسانده باشم.

فاضل گرامی آقای دکتر منصور رستگار فسایی که کلیات بسحق اطعمه را تصحیح و تحشیه کرده‌اند در مقدمه گویای خود با عنوان «پیشروان و مقلدان بسحاق» نامهای:

- نظام الدین احمد اطعمه [شیرازی] در گذشته ۱۸۶۲،

- خضری استرآبادی (تحفه سامی)،

- ملاحسن بسمل شیرازی در گذشته ۱۲۴۷ ق،

- تقی دانش مشهور به حکیم سوری (تقی دانش ملقب به ضیاء لشکر و مستشار

اعظم) در گذشته ۱۳۲۶ شمسی

را آورده‌اند. اینک که دفتر اشعار صوفی محمد به چاپ می‌رسد می‌باید نام این شاعر را به آن فهرست برافزود، همچنین نام میرزا عبدالله گرجی مقیم اصفهان را که از شاعران قرن سیزدهم و متخلص به «اشتها» بود و دیوانش دوبار چاپ شده است.^۲

به نکته ادبی خاص که درین جا باید توجه کرد این است که اطعمه سرایی ظاهراً از دوره حیات و نزدیک به عهد بسحاق اطعمه رواج می‌یابد (وفات بسحاق را به اختلاف میان ۸۲۷ تا ۸۴۰ نوشته‌اند) و نظام الدین احمد اطعمه که همزمان با او بود به تقلید او بدین شیوه پرداخت. صوفی محمد هم که قطعاً پیش از ۸۴۳ (آغاز سال پادشاهی سلطان

۱. طبق چهار ماده تاریخ شاه داعی شیرازی درباره او که آقای دکتر رستگار فسائی در صفحه سی و نه

مقدمه نقل فرموده‌اند، ولی در صفحه یکصد و دوازده همان کتاب سال ۸۵۰ آمده است.

۲. دیوان میرزا عبدالله گرجی اصفهانی متخلص به اشتها (سرگشته) به اهتمام امین خضرائی [اصفهانی]

۱۳۷۰، دیوان شاعر نخستین بار در سال ۱۳۰۶ قمری به چاپ سنگی نشر شده بود.

حسین بایقرا) در سنین سی چهل بوده است بر همان راه می‌رود. افسوس که از اشعار احمد اطعمه جز ابیاتی که در فرهنگها موجودست نشان دیگری نداریم.^۱ دربارهٔ سنّ صوفی محمّد با توجه به سنواتی که دوران زندگی آن شاعر با آن تاریخها مربوط است می‌توان این طور نتیجه گرفت که اگر برای او عمر متوسط شصت سال^۲ را در نظر بگیریم چون وفاتش میان ۸۴۲ (تخت نشینی سلطان حسین بایقرا) و چندی پیش از ۸۷۸ (کتابت نسخهٔ دیوان پس از مرگ شاعر) بوده است پس تولدش می‌تواند در یکی از دهه‌های اول یا دوم قرن نهم بوده باشد و به احتمالی در اواخر قرن هشتم.

وفات عبید زاکانی	۷۷۲
وفات حافظ شیرازی	۷۹۲
وفات شاه نعمه الله ولی	۸۳۴
وفات بسحاق اطعمه	۸۴۰
تخت نشینی سلطان حسین بایقرا	۸۴۲
وفات نظام الدین احمد اطعمه	۸۶۲
تاریخ کتابت نسخهٔ دفتر اشعار صوفی	۸۷۸

فوائد واژگانی و زبانی

بهترین نشان دهندهٔ فواید این متن فهرستی است از لغات و اصطلاحات که استخراج شده است. طبق این فهرست واژه‌های دیریاب و کهن متن ازین قبیل است: دم خوردن، نقش داشتن، شستن به جای نشستن.

۱. دکتر محمّد دبیر سیاقی نخستین بار آن سی و شش بیت را گردآوری کرد و در مجلهٔ یغما به چاپ رسانید. (سال ۱۳۴۶ صص ۲۴۸ - ۲۵۱).

۲. این ابیات می‌تواند دالّ بر آن شد که صوفی به پیری رسید (شصت سال بیشتر):

اگرچه صوفی بیچاره پیر شد اما	هنوز در سر او آرزوی تست جوان
پیر شد صوفی سودا زده در فرقت یار	لیک اندر سر خود عشق جوانی دارد
شب به شیرین کاری گفتم به قنادان شهر	عینک من هست یاران «آب دندان» شما

آب دندان: نوعی آب نبات بود نظیر آنچه در اصفهان «پولکی» نام دارد و شیشهٔ عینک شبیه به آن است.

۳. آقای دکتر منصور فسایی سالهای ۸۲۷، ۸۳۰، ۸۳۶، ۸۳۷، ۸۴۰ را در منابع یافته‌اند (ص سی و یک).

در میان لغات و اصطلاحات واژه‌هایی دیده می‌شود که بوی گویش محلی دارد و در لغتنامه‌ها نیست مانند دوج، انبه جولی، قرته، جک جک، شوش، مسلقی (؟) و جز اینها. نکته دیگر اینکه صوفی گاهی زبان تکلم و محاوره را در قوافی به کار گرفته است مانند آوردن وجوه افعال به تلفظ عامیانه درین موارد:

صفحه ۲۷ - عیده (= عیدست) همراه با قافیۀ رسیده

صفحه ۲۸ - پاماله (= پامال است)، خاله (خال است)، می ناله (= می نالد)، می باله

(= می بالد) همراه قافیۀ خاله

صفحه ۴۹ - میرانه (= میراند) همراه قافیۀ خانه

صفحه ۹۹ - نمی میره (= نمی میرد)، سیره (= سیراست) همراه قافیۀ شیره

صفحه ۱۵۰ - بریانه (= بریان است)، گریانه (= گریان است)، چندانه (= چندان

است) همراه قافیۀ پروانه.

نسخه

این نسخه را از هنگامی می‌شناسم که به همراهی شادروان دکتر اصغر مهدوی، محمدتقی دانش پژوه و دکتر عباس زریاب نسخه‌های ارائه شده به کتابخانه پیشین مجلس سنا را تقویم می‌کردیم و به لطف و اجازه دوست مکرم کاووس جهاننداری همان وقت عکس از آن گرفته شد و به هنگام سفری که در پائیز ۱۳۵۷ در معیت مرحوم عبدالحسین مسعود انصاری به مسکو و پترزبورگ و سمرقند و بخارا رفته بودم به استنساخ بخش اطعمه آن پرداختم. اما درین بیست و هشت سال فرصتی پیش نیامد که به طبعش موفق شوم.^۱

چون اندیشه طبع آن پیش آمد بهتر آن دیدم که سراسر کلیات به چاپ برسد تا پژوهندگان با خواندن سراسر متن بتوانند ژرف‌تر با شعر و فکر شاعر صوفی آشنایی بیابند.

۱. نسخه نخستین بار توسط محمد تقی دانش پژوه در فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس سنا معرفی شد جلد دوم - صص ۲۵۸ - ۲۵۹ (تهران، ۱۳۵۹).

نام کاتب نسخه یعقوب بن اسحاق اسمعیلی قهستانی است. آن را در سال ۸۷۸ نوشته و این تاریخ در دو جای نسخه دیده می‌شود (ص ۷۰ و ۱۸۲). اسمعیلی ظاهراً نسبت به مذهب اوست.

این نسخه به شماره ۱۴۵۰ (شماره ثبت ۲۰۴۷۳) به قطع ۱۰ × ۱۶ و جلد تیماجی مشکی ترنجدارست، به خط نستعلیق در یکصد و نود برگ دوازده سطری.^۱ از یادداشتهایی که در پاورقی آورده شده نوع غلطهای نسخه را می‌توان شناخت و ضرورتی نیست که درین جا نمونه‌هایی آورده شود.

از ضوابط نسخه‌شناسی به این موارد اشاره می‌شود:

خط عناوین ده نامه همسانی ندارد با خط کاتب اصلی. به همین خط بعضی تصرفها در ابیات و اصطلاحات «ایضاً له» و «وله ایضاً» میان غزلها دیده می‌شود. حتی در ۱۰۸L کلمهٔ مثنوی به غلط با سه نقطه زیر سین نوشته شده است.

نسخه دارای رکابه است. ولی بعضی از آنها تازه‌تر است و به خط بد (ورق‌های ۴، ۱۰، ۱۵، ۳۱، ۴۳ تا ۴۸، ۵۴، ۵۷، ۷۰، ۱۰۷). بعضی از رکابه‌های تازه نویس می‌تواند دلالت باشد بر این که اوراقی از نسخه افتاده و کسی با افزودن رکابه‌های نو خواسته است میان اوراق نامربوط را به هم ربط بدهد.

از حروف فارسی «چ» یک بار به سه نقطه آمده (۵L: چنان) و «ژ» را در سه مورد به سه نقطه دیده‌ام غیوژه ()، کژ ()، مژه ()

روش کاتب آن است که معمولاً زیر حروف در نوشتن کلماتی مانند دهان، لبان، میان معمولاً بر بالای الف نشانهٔ «مد» (سه) را گذاشته است.

ح، ح: زیر آن سر حرف «ح» را به ریزی گذاشته (حال)

س، س: زیر آن سه نقطه گذاشته ()

ص، ص: زیر آن حرف «ص» را به ریزی گذاشته (خلاص، صفحه، صوفی، قصر)

ط، ط: زیر آن حرف «ط» را به ریزی گذاشته (طباخ، مضطرب، مطبح، مطلع، وطن)

۱. فیلم آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.

ع، ع: زیر آن حرف «ع» را به ریزی گذاشته (طلعت)
ه، ه: زیر آن حرف «ه» را به ریزی گذاشته (ها، هرگز، همچو، نخواهم)
• سه نقطه شک و ابهام در هامش ورق‌های ۳ ب و ۴ الف.
افسوس آن است که از کلیات صوفی نسخه دومی هنوز شناخته نشده. به همین
مناسبت رفع اشکال از مواردی که نسخه سیاه شده، غلط نویسی شده، دو گونه خوانده
شده ناممکن است و تصمیم‌گیری نسبت به ضبط صحیح دشوار. همیشه هم نمی‌توان به
قیاس و مشابهت و مناسبت، لفظی را جانشین کلمه‌ای کرد که نمی‌دانیم چه بوده است.
ناچار درین موارد غالباً سه نقطه گذاشته شد و صورت احتمالی را در پا صفحه آوردام.
شاید تصوّر غالب این باشد که چون یگانه بودن نسخه، مصحح را از تطبیق و مقابله و
آوردن نسخه بدلها به دور می‌دارد کار آسان‌تر است و زود پیش می‌رود. اما تک نسخه اگر
مغلوپ یا نامضبوط باشد دشواری‌های خاص خود را دارد.
موارد متعددی را که کلمه سیاه شده یا بی نقطه و ناخوانا بوده است در حاشیه ذکر
کرده‌ام و در آخرین مراحل چاپ از دوستان فاضل محمّدافشین وفایی و شهریار
شاهین‌دژی درخواه شدم که بار دیگر اصل نسخه را در کتابخانه مجلس ببینند تا با
چشمان جوان آنچه را در عکس نسخه درست تشخیص داده‌شدنی نیست به مطابقه
درآوردند و از معایب دستنویس من بکاهند. از لطفی که مبذول داشتند درین جا امتنان
خود را یادآور می‌شوم.
این گزارش را با سپاسگزاری از دوستم دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی به پایان
می‌آورم که مشکل خویش را چون بارها و بارها - آنچه مربوط به بدنویسی، به هم
ریختگی شعری، عیب قافیه بود - بر ایشان برده‌ام و همیشه مرا یاری فرموده است.

ایرج افشار

دهم مهرماه ۱۳۸۵